**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه302– 10 /09/ 1399 مساله‌ی دوم ( حداد) /عده‌ی وفات/ تکمله‌ی عروه** **/ اقوال فقها در عده**

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد روایت عمار ساباطی بود. مرحوم فیض کاشانی در وافی اشاره می کند که اکثر روایات عمار مضطرب است. نخستین شخصی که به اضطرابات روایات عمار ساباطی اشاره کرده است، مرحوم مجلسی اول در روضة المتقین و لوامع صاحبقرانی[[1]](#footnote-1) است. البته مرحوم مجلسی اول اعتبار روایات عمار ساباطی را زیر سوال نمی برد؛ بلکه روایات او را در درجه‌ی کامل اعتبار نمی داند.

# بررسی اعتبار روایات عمار ساباطی

## کلام مرحوم وحید بهبهانی

مع أنّ متون روايات عمار ربما لا تخلو عن التشويش[[2]](#footnote-2)

کلام مرحوم وحید بهبهانی نسبت به کلام فیض کاشانی، ملایم تر است.

من جهة أنّ الروايات روايات عمّار، فكثيرا ما يكون في رواياته عدم الضبط التام، فتأمّل.[[3]](#footnote-3)

از این عبارت استفاده می شود که عمار ضابط است؛ اما ضابطیت تام ندارد و در مقام تعارض روایت عمار طرح می شود.

بعضی از بزرگان به دلیل اشکالاتی که در روایات عمار وجود دارد، روایات او را از درجه‌ی اعتبار ساقط می دانند، چنان که سید بحرالعلوم در کتابش نقل کرده است.

## کلام محمد هادی مازندرانی

و يدلّ عليه موثّق عمّار، عن أبي عبد اللَّه عليه السلام، ... لكنّه لعدم صحّته، و عدم ضبط عمّار- كما مرّ مراراً- غير قابل للمعارضة لما ذكر.[[4]](#footnote-4)

و الأظهر وقوع سهو من عمّار فيه بناء على عدم ضبطه، كما مرّت الإشارة إليه.[[5]](#footnote-5)

و لأنّ روايهما عمّار و قد مرّ مراراً أنّه لعدم ضبطه لا يعتمد على ما تفرّد بروايته.[[6]](#footnote-6)

## کلام سید بحرالعلوم

و لا ينافي التوثيق‌ وقوع الخلل في ألفاظ حديثه- أحيانا- فان منشأه النقل بالمعنى و قد ثبت جوازه، و الغالب عدم تغيير المعنى بما يقع له من الخلل، فلا يخرج حديثه عن الحجية نظرا الى اشتراط الضبط. و ما ذكره الشيخ في (الاستبصار) محمول على منع العمل بما يختص به مع وجود المعارض كما يعلم مما قاله غيره، و ما ذكره في غيره[[7]](#footnote-7)

سید بحرالعلوم می فرماید: اشکالاتی که در بعضی روایات عمار وجود دارد، با توثیق او قابل جمع است و احادیث او حجت است. آن چه شیخ طوسی در استبصار ذکر کرده است در جایی است که روایت عمار با روایت دیگری متعارض است که در این صورت روایت عمار طرح می شود.

البته مرحوم ابوالهدی کلباسی صاحب سماء المقال[[8]](#footnote-8) این عبارت سید بحرالعلوم را ذکر کرده و نپذیرفته است که منشا اشکالات روایات عمار ساباطی، نقل به معنا باشد؛ بلکه منشا اشکالات را عدم ضبط دانسته اند.

## کلام مجلسی اول

و الذي‌ يظهر من أخبار عمار أنه كان ينقل بالمعنى مجتهدا في معناه بخلاف الحسن بن علي[[9]](#footnote-9)، بل علي بن الحسن[[10]](#footnote-10) و إن كان فطحيا لكن يحتاط في النقل باللفظ بل الثلاثة الذين ينقلون نقلهم عنه صحيح، و كلما وقع في خبره فمن فهمه الناقص[[11]](#footnote-11)

ظاهرا عبارت سید بحرالعلوم از کلام مجلسی اول اخذ شده است.

دیدگاه فقها در مورد اشکال به روایات عمار بسیار متفاوت است؛ اما فقیهی را نیافتیم که تمام روایات عمار را بررسی کرده باشد و تعداد روایات مفتی به و غیر آن را مقایسه کرده باشد. مرحوم آقای بروجردی در نهایة التقریر می فرماید: در تمام فقه به روایات عمار ساباطی عمل شده است؛ البته روایات مفتی به را نقل نمی کند و این مساله نیازمند تتبع گسترده است. صاحب قاموس الرجال می فرماید: با تتبعی که انجام دادیم دریافتیم که روایات نادرست زیادی در بین روایات عمار وجود دارد. آقای سید محمد رضا سیستانی می فرماید: سی روایت از عمار ساباطی که اصحاب به آن ها عمل نکرده اند، در قاموس الرجال آمده است. البته با مراجعه ای که داشتیم، در قاموس الرجال[[12]](#footnote-12) حدود نود روایت از عمار ساباطی نقل شده است. احتمالا ثلاثین محرف ثمانین می باشد. مرحوم اردبیلی در کتابش ثمانین نقل کرده است. نود روایت حجم کمی نیست؛ البته باید روایات مفتی به او را نیز تتبع کرد تا مشخص شود چه تعداد از روایات عمار ساباطی مفتی به بوده و تنها مستند فقها نیز روایت عمار باشد؛ زیرا متفردات مورد فتوای عمار ساباطی مهم است. قبل از بررسی این روایات نمی توان در مورد عمار ساباطی قضاوت صحیحی داشت.

# اعجمی بودن عمار ساباطی

از آقای بروجردی نقل شده است که عمار ساباطی در اصل اعجمی بوده است؛ اما دلیل روشنی بر این مطلب وجود ندارد.

## کلام آیت الله بروجردی

لأجل اضطراب متنها الناشئ من العمّار لكونه من الأعاجم بحسب الأصل[[13]](#footnote-13)

## کلام مرحوم اشتهاردی

و لكن لا يرفع اليد بمثل ذلك الخبر الذي راويه عمّار الساباطي الذي هو معروف في الرجال بعدم ضبطه عين الألفاظ غالبا، و نقله إلى المعنى بالألفاظ الغير المتناسقة لكونه أعجميا لا يقدر على الترجمة إلى العربي.[[14]](#footnote-14)

مرحوم اشتهاردی این کلام را از آقای بروجردی اخذ کرده است.

در قبسات بحث های خوبی وجود دارد، برای مطالعه بیشتر به آن مراجعه کنید.

به هر حال در بحث ما وثاقت یا عدم وثاقت عمار ساباطی تاثیری ندارد؛ زیرا بر فرض وثاقت او نیز به روایت او در بحث حداد عمل نمی شود.

# قید «تتزين به للزوج» در کلام مرحوم سید یزدی

مرحوم سید در بحث وجوب حداد و ترک زینت فرمود:

... و بالجملة كل ما يعد زينة ممّا تتزين به للزوج ...[[15]](#footnote-15)

در کلام مرحوم سید وجوب حداد مقید به زینت مخصوص شوهر شده است. مرحوم حاج آقا تقی قمی در مبانی منهاج الصالحین می فرماید: این قید وجهی ندارد؛ زیرا دو نوع زینت نداریم که یک نوع مخصوص زوج باشد و دیگری مخصوص زوج نباشد.

به نظر می رسد کلام حاج آقا تقی قمی صحیح نباشد و دو نوع زینت داریم. بعضی زینت ها شهوت برانگیز هستند و بعضی زینت ها صرفا موجب زیبایی زن می شود و متفاوت می باشند؛ البته غالب زینت های زن، شهوت برانگیزند.

اما اشکال این است که تقیید زینت به این قید وجهی ندارد؛ زیرا حداد یعنی زن باید لباس سوگواری بپوشد و لباس هایی که زینتی هستند یا زیور آلات ( حتی اگر مخصوص مجالس شادمانی است و مخصوص شوهر نیست)، در ایام عده ممنوع است.

1. شرح فارسی بر من لا یحضره الفقیه [↑](#footnote-ref-1)
2. الحاشية على مدارك الأحكام، ج‌2، ص: 380‌ [↑](#footnote-ref-2)
3. حاشية مجمع الفائدة و البرهان، ص: 172‌ [↑](#footnote-ref-3)
4. شرح فروع الكافي (لمولى محمد هادي بن محمد صالح المازندراني)، ج‏2، ص: 273 [↑](#footnote-ref-4)
5. شرح فروع الكافي (لمولى محمد هادي بن محمد صالح المازندراني)، ج‏3، ص: 146 [↑](#footnote-ref-5)
6. شرح فروع الكافي (لمولى محمد هادي بن محمد صالح المازندراني)، ج‏3، ص: 214 [↑](#footnote-ref-6)
7. الفوائد الرجالية (للسيد بحر العلوم)، ج‌3، ص: 169 و 170 [↑](#footnote-ref-7)
8. عبارت سماء المقال را از قبسات من علم الرجال آقای سید محمد رضا سیستانی نقل می کنم. جلد دوم سماء المقال در نرم افزار رجال شیعه وجود ندارد و این عبارت در جلد دوم می باشد. [↑](#footnote-ref-8)
9. الحسن بن علی بن فضال [↑](#footnote-ref-9)
10. علی بن الحسن بن علی بن فضال [↑](#footnote-ref-10)
11. روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، ج‌14، ص: 204‌ [↑](#footnote-ref-11)
12. ج 8، ص 18 الی 30 [↑](#footnote-ref-12)
13. نهاية التقرير، ج‌3، ص: 295‌ [↑](#footnote-ref-13)
14. مدارك العروة (للإشتهاردي)، ج‌5، ص: 61‌ [↑](#footnote-ref-14)
15. [تکملة العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص63.](http://lib.eshia.ir/10081/1/63/%D9%84%D9%84%D8%B2%D9%88%D8%AC) [↑](#footnote-ref-15)